

یادداشت

سلام به آتش‌بس؛ ابهام در راه‌حل دوکشوری و نقش ایران



محسن شریف‌خدائی

تحلیل‌گر روابط بین‌الملل

پس از دو سال جنگ بی‌امان در غزه که به مرگ بیش از ۶۵ هزار غیرنظامی -اغلب زنان و کودکان- انجامیده، توافق آتش‌بس میان اسرائیل و حماس کورسویی از امید را در دل جهانیان روشن کرده است. این توافق که میانجیگری ایالات متحده و مشارکت کشورهای منطقه‌ای چون قطر، مصر و ترکیه حاصل شده، شامل توقف درگیری‌ها، تبادل گروگان‌ها و زندانیان فلسطینی، گشایش مسیرهای ورود اقلام غذایی، دارویی و کمک‌های بشردوستانه به داخل غزه، خروج تدریجی نیروهای نظامی اسرائیل و آغاز گفت‌وگو درباره مدیریت موقت غزه و وضعیت تسلیحاتی گروه‌های مقاومت است. استقبال گسترده از این طرح نشان‌دهنده نیاز فوری به پایان خشونت و آغاز روندی سیاسی برای حل ریشه‌ای بحران تاریخی فلسطین است. اما این امید، در دل تاریک تاریخ ۷۵ساله‌ای شکل گرفته که از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تاکنون، با خشونت، آوارگی، اشغال و بی‌عدالتی عجین بوده است. در طول این دهه‌ها، فلسطینی‌ها بارها شاهد تخریب خانه‌ها، مصادره زمین‌ها، محاصره اقتصادی و حملات نظامی بوده‌اند. از جنگ‌های کلاسیک دهه‌های ۵۰ و ۶۰ گرفته تا انتفاضه‌های خونین، از محاصره غزه تا عملیات‌های نظامی گسترده، همواره قربانیان اصلی این منازعه، مردم بی‌دفاع بوده‌اند. اما آنچه در دو سال گذشته در غز رخ داده، از نظر بسیاری از ناظران بین‌المللی، فراتر از جنگ و به مرزهای جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی رسیده است. بیش از ۶۵ هزار کشته، هزاران کودک یتیم، صدها هزار نفر بی‌خانمان و زیرساخت‌هایی که به طور کامل نابود شده‌اند، فقط بخشی از بهای انسانی این درگیری هستند. تصاویر کودکان سوخته، بیمارستان‌های ویران شده و صف‌های طولانی برای دریافت آب و غذا، وجدان جهانی را به لرزه درآورده‌اند. در این میان، سکوت یا انفعال برخی نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل، پرسش‌هایی جدی درباره اعتبار و کارآمدی نظم جهانی مبتنی بر قانون و عدالت مطرح کرده است.

در این میان، حمله گروه‌های وابسته به حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به‌جای تقویت موقعیت سیاسی مقاومت، زمینه‌ساز یکی از خون‌بارترین دوره‌های درگیری در تاریخ غزه شد و بار دیگر نشان داد اقدامات نظامی بدون محاسبه پیامدهای سیاسی، می‌تواند به فاجعه‌ای انسانی منجر شود. اکنون، با اعلام آتش‌بس و طرحی که دونالد ترامپ آن را «گام نخست به سوی صلحی پایدار» می‌نامد، جهان در برابر یک دوراهی قرار گرفته است: آیا این توافق می‌تواند مقدماتی برای حل ریشه‌ای بحران باشد یا صرفاً توقفی تاکتیکی در مسیر خشونت است؟ آیا راه‌حل دوکشوری که بارها در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شده و مورد حمایت اکثریت کشورهای جهان است، هنوز امکان تحقق دارد؟ یا آن‌گونه که برخی تحلیلگران می‌گویند، به سراپی سیاسی تبدیل شده که اسرائیل هرگز قصد تحقق آن را نداشته است؟ دولت اسرائیل به رهبری بنیامین نتانیاهو، نتهتا با این طرح مخالفت کرده، بلکه آن را «یک جانبه و غیرواقع‌گرایانه» خوانده است. این مخالفت، نه‌تنها شکاف میان خواست جامعه جهانی و سیاست داخلی اسرائیل را آشکار می‌کند، بلکه اعتبار نهادهای بین‌المللی را نیز به چالش می‌کشد. در همین حال، نتانیاهو با فشارهای داخلی و بین‌المللی بی‌پایقه‌ای مواجه است. با کشته‌شدن ده‌ها هزار غیرنظامی و گزارش‌های متعدد از سوءتغذیه کودکان، تخریب زیرساخت‌ها و محاصره انسانی، او با اتهامات نسل‌کشی در دیوان کیفری بین‌المللی مواجه شده است. اگر این نهاد نتواند به طور جدی این پرونده را پیگیری کند، اعتبار خود را به عنوان نماد عدالت جهانی از دست خواهد داد. سکوت در برابر چنین جنایتی، نتیجه‌ای به‌استعداد عمومی را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند به تضعیف نظم بین‌المللی مبتنی بر قانون منجر شود.

در این میان، نباید از نقش شخصی دونالد ترامپ در شکل‌گیری توافق آتش‌بس غافل شد. او با تکیه بر رویکردی که خود آن را «صلح از طریق قدرت» می‌نامد، توانست با اعمال فشارهای سیاسی و امنیتی بر طرفین، به قدرتی که بر پایه فشار، مصلحت‌گرایی و موازنه قدرت بنا شود، فاقد پایداری و مشروعیت مردمی خواهد بود. فقط زمانی می‌توان به صلحی پایدار و قابل قبول برای همه طرف‌ها دست یافت که عدالت در مرکز آن قرار گیرد. عدالتی که شامل پایان اشغال، پاسخ‌گویی به جنایت جنگی، به رسمیت شناختن حقوق ملت فلسطین و مشارکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت خود باشد. نقش کشورهای منطقه در این مرحله بیش از هر زمان دیگری حیاتی است. قطر، ترکیه و مصر با فشار بر حماس نقش مؤثری در تحقق آتش‌بس ایفا کردند. اما برای رسیدن بر صلحی واقعی، باید همه کشورهای منطقه، از جمله جمهوری اسلامی ایران، در فرایند سیاسی مشارکت داده شوند. ایران، به عنوان یکی از بازیگران کلیدی و حامی محور مقاومت، می‌تواند نقشی سازنده در شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای ایفا کند.

بیانیه اخیر وزارت امور خارجه ایران در استقبال از توقف جنگ و حکومتیت نسل‌کشی در غزه، نشان‌دهنده آمادگی تهران برای ایفای نقش فعال در مسیر صلح است. این موضع‌گیری، اگر با دیپلماسی منطقه‌ای و تعامل با سایر بازیگران همراه شود، می‌تواند به تقویت روند سیاسی و کاهش تنش‌های احتمالی در آینده کمک کند. ایران همچنین می‌تواند با حمایت از وحدت ملی فلسطینی‌ها، نقش مؤثری در تقویت نهادهای سیاسی مستقل فلسطینی ایفا کند؛ نهادهایی که بتوانند در آینده کشور مستقل فلسطین، نماینده واقعی اراده مردم باشند.

از سوی دیگر، نباید اجازه داد قدرت‌های خارجی، روند صلح را به انحصار خود درآورند. تجربه ۷۵ سال گذشته نشان داده راه‌حل‌های تحمیلی و یک‌جانبه، نه‌تنها به حل بحران کمک نکرده، بلکه آن را پیچیده‌تر کرده‌اند. صلح پایدار زمانی ممکن خواهد بود که مردم فلسطین، به عنوان صاحبان اصلی این سرزمین، در تعیین سرنوشت خود نقش محوری ایفا کنند. تشکیل کشور مستقل فلسطینی، یک مرزهای مشخص، حاکمیت کامل و به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی، باید در مرکز هر طرح و تصمیم‌گیری سیاسی قرار گیرد. نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل و دیوان کیفری بین‌المللی، در برابر آزمونی تاریخی قرار دارند.

مهدی باززگان: در حالی که بسیاری از ناظران پیش‌بینی می‌کردند پس از جنگ ۱۲ روزه و بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت، زمینه برای حمله مجدد اسرائیل به ایران فراهم شود، اظهارات اخیر ولادیمیر پوتین تصویر متفاوتی از تحولات ارائه می‌دهد. رئیس‌جمهور روسیه، پنجشنبه گذشته در دومین اجلاس روسیه و آسیای مرکزی اعلام کرد: «مسکو در تماس مستمر با تل‌آویو است». او افزود: «هبران اسرائیل پیامی برای دوستان ایرانی ما ارسال کرده‌اند مبنی بر اینکه اسرائیل به دنبال درگیری نیست و ترجیح می‌دهد اوضاع به صورت مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک حل شود». پوتین تأکید کرد: «روسیه از هر دو طرف می‌خواهد مسیر گفت‌وگو و تعامل را برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها در پیش بگیرند».

این در حالی است که تا پیش از این روسیه نسبت به حمله دوباره اسرائیل و ایالات متحده هشدار داده بودند. کمااینکه اوسط مردامه روتیزر به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داده که روسیه از طریق کانال‌های محرمانه پیامی ویژه به ایران ارسال کرده و نسبت به احتمال حمله نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل به خاک ایران در آینده نزدیک هشدار داده است. خبرگزاری روتیزر نیز پیش‌تر مدعی شده بود «حمله به تهران قریب‌الوقوع» است و تنها در انتظار دستور نهایی قرار دارد. همان زمان ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، تهدیدات مکرر علیه تأسیسات هسته‌ای ایران را «بسیار نگران‌کننده» توصیف کرده و تأکید کرد این تهدیدها تحت پوشش نگرانی‌های ادعایی درباره اشاعه هسته‌ای، مشروعیتی ندارند. او یادآور شد برنامه هسته‌ای ایران ماهیتی صلح‌آمیز دارد و بهمان تأسیسات هسته‌ای نباید به یک رویه عادی در روابط بین‌الملل تبدیل شود، زیرا چنین اقدامی می‌تواند پیامدهای فاجعه‌باری برای امنیت منطقه و جهان به همراه داشته باشد. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه هم در نشست خبری حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل به خبرنگاران گفته بود: «شما هم گاه‌به‌گاه می‌نویسید و تحلیلگران سیاسی به این موضوع اشاره می‌کنند؛ تهدید حملات جدید علیه ایران همچنان وجود دارد و بنا بر گفته برخی منابع مطلع حتی در سطح عملی نیز درباره آن بحث شده است. این خود بسیار معنادار است». اواخر شهریورماه نیز، سرگئی شویگو، دبیر شورای امنیت روسیه در جریان سفر به عراق نسبت به تجاوز دوباره علیه ایران هشدار داد و تصریح کرده بود: «روبارویی دو طرف (اسرائیل و ایران)، منطقه را با جنگی جدید و گسترده مواجه می‌کند». البته در میانه این خبرها شاهد برخی تناقض‌ش هم بودیم. در این باره و مردامه‌ا، خبری در فضای مجازی منتشر شد مبنی بر اینکه روسیه پیامی فوری به ایران فرستاده و هشدار داده حمله آمریکا و اسرائیل به‌زودی آغاز می‌شود. اما بعذر عنوان شد هیچ‌گونه بیانیه رسمی یا صحبتی از سوی مقامات روسیه در تاریخ ۹ مرداد (۳۱ جولای) درباره چنین هشداری منتشر نشده است و آخرین موضع‌گیری روسیه مربوط به ۳۰ جولای ۲۰۲۵ (۸ مرداد ۱۴۰۴) است که سخنگوی وزارت خارجه روسیه صرفاً نسبت به تهدیدات آمریکا و اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کرده بود، نه هشدار درباره حمله قریب‌الوقوع. همچنین گفته شد هشدارهایی از سوی مقامات روسیه مانند پوتین و ریابکوف در ماه ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد ۱۴۰۴) منتشر شده بود. اما هیچ‌یک به پیام فوری مورد اشاره روسیه اشاره نداشت.

آیا می‌توان به نقل قول پوتین از اسرائیل اعتماد کرد؟

در تحلیل ادعای پوتین، جوان نوشت: «پس از توافق پایان جنگ در غزه، رئیس‌جمهور روسیه اعلام کرد که تل‌آویو به دنبال درگیری جدید نیست و این پیام را به ایران منتقل کرده است. بر اساس شواهد موجود، دست‌کم چهار دلیل منطقی وجود دارد که اسرائیل را از بازگشت به جنگ بازمی‌دارد. اول، ناتوانی اسرائیل در رسیدن به اهداف آرمانی‌اش که پیش‌تر آنها را مجبور به توافق با حماس بدون نابودی کامل آن کرد. دوم، انزوای جهانی صهیونیسم که فشار سیاسی و دیپلماتیک بی‌سابقه‌ای بر این رژیم وارد کرده است. سوم، بحران‌های داخلی اقتصادی، روانی و اجتماعی که رسانه‌های اسرائیلی به آن پرداخته‌اند و موجب کاهش توان تحمل جامعه و ارتش شده است. چهارم، احتمال پاسخ شدید ایران که فراتر از تجربه جنگ ۱۲ روزه خواهد بود و هزینه‌های سنگینی برای اسرائیل به همراه دارد».

این روزنامه ادامه داد: «در ایران، اما تحلیل‌ها اغلب از شواهد موجود غفلت می‌کنند و با سوءگیری، فرضیات خود

را تأیید می‌کنند. واقعیت روشن است؛ توافق اخیر نشان می‌دهد اسرائیل حتی با حفظ حماس بر سر میز مذاکره نشسته است؛ رویکردی که دو سال پیش تصور آن غیرممکن بود. قیام جهانی علیه صهیونیسم، تغییر جهت همدردی‌ها در آمریکا و تحریم کالاهای اسرائیلی نیز فشار مضاعف وارد کرده است. رسانه‌های داخلی اسرائیل و نهادهای مستقل بین‌المللی گزارش می‌دهند که جامعه اسرائیلی تحت فشار شدید اقتصادی و روانی قرار دارد و ارتش با کاهش روحیه و افزایش یاس مواجه است.»

در مقام نتیجه‌گیری، جوان می‌گوید: «در نهایت، ایران نیز توانسته با بازسازی ظرفیت‌های خود، آمادگی برای نبرد احتمالی را افزایش دهد. این مجموعه شواهد، بدون اضافه‌کردن نظریه‌ها و فرضیات غیرضروری، نشان می‌دهد که تصمیم اسرائیل برای کنارگذاشتن سیاست جنگی خود، حداقل برای مدت زمانی طولانی‌تر از انتظار منطقی و مبتنی بر واقعیات است و پیامدهای آن برای منطقه قابل فهم است.»

بازی روسیه در میانه جنگ

در حالی که بازگشت تحریم‌ها و احیای قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، عملاً مسیر گفت‌وگوهای ایران با اروپا و آمریکا را به بن‌بست گشاده است، فضای دیپلماتیک پیرامون پرونده هسته‌ای و امنیت منطقه‌ای در وضعیت انسداد کامل قرار دارد. در این شرایط، روسیه در موقعیتی دوگانه و تا حدی مبهم به دنبال تحقق منافعش است؛ از یک سو، کرملین سعی کرده چهره یک بازیگر مدافع ثبات، گفت‌وگو و راه‌حل‌های دیپلماتیک را از خود بروز دهد، اما از سوی دیگر، به نظر می‌رسد از تداوم این بحران و انزوای تدریجی ایران برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود بهره می‌برد.

اظهارات اخیر ولادیمیر پوتین مبنی بر اینکه اسرائیل تمایلی به درگیری مجدد با ایران ندارد و به دنبال حل‌وفصل مسالمت‌آمیز است، در نگاه نخست می‌تواند نشانه‌ای از تلاش مسکو برای کاهش تنش‌ها تلقی شود. با این حال، بسیاری از تحلیلگران معتقدند این موضع‌گیری بیش از آنکه نشانگر ابتکار واقعی روسیه برای صلح باشد، ابزاری در راستای حفظ کنترل و نفوذ کرملین بر معادلات منطقه‌ای است. روسیه با بهره‌گیری از روابط گسترده خود با هر دو طرف (ایران و اسرائیل)، می‌کوشد جایگاه خود را به عنوان بازیگر محوری در مدیریت بحران‌های خاورمیانه تثبیت کند، بدون آنکه مسئولیت مستقیم در قبال حل‌وفصل واقعی منافعش بپذیرد. از منظر واقع‌گرایانه، روسیه از یک خاورمیانه پرتنش، اما قابل مدیریت سود می‌برد. تداوم بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای، تهران را بیش از پیش به سمت همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با مسکو سوق و امکان استفاده روسیه از ظرفیت ایران در مقابله با فشارهای غرب را افزایش می‌دهد. به همین دلایل، رویکرد روسیه نسبت به بحران ایران و اسرائیل، بیشتر بر مدیریت بحران و کنترل سطح تنش متمرکز است تا رفع ریشه‌ای آن. در مجموع، سیاست فعلی کرملین را می‌توان نوعی «میانجیگری مصلحت‌محور» توصیف کرد؛ تلاشی برای حفظ ثبات نسبی بدون پیشبرد صلح پایدار. در چنین فضایی، نه تهران از انزوای تحریم‌ها رهایی یافته و نه مسیر گفت‌وگوهای سازنده با غرب باز شده است. روسیه نیز در حالی نقش میانجی را بازی می‌کند که در عمل، از اسرانه این بن‌بست به عنوان ابزاری برای تحکیم جایگاه خود در نظام چندقطبی جهانی بهره می‌برد.

محمود شوری: هر نوع درگیری نظامی در خاورمیانه، برای روسیه نتهتا فرصت‌ساز نیست، بلکه بحران آفرین است



با توجه به نکات فوق و جوان نوشت: «پس از توافق تنش دقیق‌تر سیاست روسیه در میانه تنش ایران و اسرائیل، محمود شوری، طی کپ‌وگفتش با «شرق»، نگاهی متفاوت دارد و به گفته او: «هرچند در ظاهر برخی ناظران تصور می‌کنند تنش میان ایران و اسرائیل می‌تواند به نفع روسیه تمام شود، اما در واقعیت این‌گونه نیست». معاون اندیشکده ایراس، تأکید می‌کند: «هر نوع درگیری نظامی در خاورمیانه، برای روسیه نتهتا فرصت‌ساز نیست، بلکه بحران آفرین است؛ زیرا چنین وضعیتی معادلات چندلایه روابط مسکو با تهران، تل‌آویو و غرب را پیچیده‌تر می‌کند و کرملین را در موقعیتی دشوار از حیث انتخاب و موضع‌گیری قرار می‌دهد».

تحلیلگر ارشد مسائل اوراسیا با اشاره به این نکته که گفته می‌شود «هرگاه جنگی در خاورمیانه آغاز یا تشدید می‌شود، بخشی از تمرکز جهانی از پرونده اوکراین منحرف می‌شود،



«شرق» از سیاست مبهم مسکو در میانه مناقشه ایران و اسرائیل گزارش می‌دهد

هزارتوی جنگ و سیاست روسیه

تصریح می‌کند: «این کاهش تمرکز الزاما به نفع روسیه نیست». او توضیح می‌دهد: «روس‌ها از هر درگیری تازه در منطقه، سود مستقیم نمی‌برند؛ چون پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی آن می‌تواند سطح بحران‌ها را در حوزه‌های دیگر افزایش دهد و حتی فضای تصمیم‌گیری مسکو را محدود کند». به باور این استاد دانشگاه: «جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل و هم‌زمانی آن با فعال‌شدن مکتانیم ماشه و بازگشت برخی از قطع‌نامه‌ها علیه تهران، موجب شده است بسیاری از ناظران به‌اشتباه تصور کنند روسیه از این شرایط بهره‌مند می‌شود». اما شوری این برداشت را دارد: «آنچه در روابط ایران و غرب رخ می‌دهد الزاما تأثیر مستقیمی بر رابطه روسیه و غرب ندارد». چون به زعم او: «در گذشته شاید این دو حوزه به هم نزدیک‌تر بودند، اما امروز گسست میان روسیه و غرب چنان عمیق است که رخدادهای منطقه‌ای دیگر اثر تعیین‌کننده‌ای بر آن ندارند». کارشناس ارشد مسائل روسیه یادآور می‌شود: «مسکو در وضعیت فعلی، نه می‌تواند و نه می‌خواهد از بحران ایران و اسرائیل به عنوان ابزار فشار بر غرب استفاده کند، چراکه این درگیری‌ها قابل کنترل نیستند و می‌توانند به‌سرعت ابعاد جهانی پیدا کنند». او هشدار می‌دهد: «چنین جنگی ممکن است ایران را به سمت اتخاذ سیاست‌های تهاجمی یا حتی تجارتی سوق دهد؛ اقداماتی مانند خروج از معاهده NPT یا بازگشت به مسیر هسته‌ای پرتنش که هیچ‌کدام برای روسیه مطلوب نیستند». به گفته تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل: «یکی از دشواری‌های بزرگ کرملین در این شرایط، حفظ تعادل میان دو طرف بحران است. روسیه با اسرائیل روابط سیاسی، امنیتی و حتی نظامی خاصی دارد، به‌ویژه در پرونده سوریه و حضور نیروهای نظامی در آن کشور. در عین حال، روابطش با ایران نیز در سطحی راهبردی و ضروری تعریف شده است؛ چه از نظر همکاری‌های اقتصادی و انرژی و چه از منظر موازنه در برابر غرب». با چنین تحلیلی، شوری تأکید می‌کند: «درگیری مستقیم میان ایران و اسرائیل، روسیه را در موقعیتی قرار می‌دهد که هر تصمیم یا موضع‌گیری‌اش، به معنای از دست دادن یکی از دو سوی روابط است. این برای مسکو شرایطی بسیار پیچیده و پرهزینه خواهد بود». او همچنین این گزاره را رد می‌کند که «بحران، ولو به صورت تحلیلگر ارشد حوزه خاورمیانه می‌تواند به نفع روسیه تمام شود؛ زیرا باعث کاهش تمرکز غرب بر جنگ اوکراین خواهد شد». از نظر شوری: «چنین فرضی درک نادرستی از سازوکار روابط بین‌المللی است». معاون اندیشکده ایراس به «شرق» می‌گوید: «جنگ اوکراین به اندازه‌ای برای غرب اهمیت دارد که حتی بحران خاورمیانه نیز نمی‌تواند از شدت توجه آن بکاهد. برعکس، در چنین شرایطی ممکن است غرب با انسجام و اتحاد بیشتری عمل کند و دوازیرک مقابل خود یعنی ایران و روسیه را هم‌زمان هدف فشار قرار دهد».

در نگاه شوری: «بحران در خاورمیانه نوعی دام سیاسی برای همه طرف‌هاست؛ نه‌تنها ایران، بلکه روسیه و حتی اسرائیل نیز در چنین وضعیتی دچار محدودیت‌های جدیدی می‌شوند». تحلیلگر ارشد حوزه اوراسیا تأکید می‌کند: «روسیه ترجیح می‌دهد این منطقه در ثبات نسبی باقی بماند تا بتواند تمرکز خود را بر اوکراین و روابط پرتنش با ناتو حفظ کند». از نگاه این کارشناس: «هر نوع بی‌ثباتی تازه در خاورمیانه، توازن سیاست خارجی مسکو را برهم می‌زند و هزینه‌های جدیدی برای آن به همراه می‌آورد». در پایان، مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی نتیجه می‌گیرد: «برخلاف تحلیل‌های رایج، روسیه نه در پی تشدید تنش میان ایران و اسرائیل است و نه از وقوع درگیری احتمالی استقبال می‌کند». به باور او: «سیاست روسیه در قبال بحران‌های منطقه‌ای، سیاست مدیریت از دور است، نه مداخله یا بهره‌برداری مستقیم و از این روابطش با تهران و تل‌آویو را در تعادل نگه دارد و اجازه ندهد هیچ‌یک از این خطوط، به نقطه تعارض کامل برسند. چون در آن صورت، نتهتا بحران خاورمیانه، بلکه معادلات کلان روسیه در برابر غرب نیز به‌شدت آسیب خواهد دید».

در نگاه شوری: «بحران در خاورمیانه نوعی دام سیاسی برای همه طرف‌هاست؛ نه‌تنها ایران، بلکه روسیه و حتی اسرائیل نیز در چنین وضعیتی دچار محدودیت‌های جدیدی می‌شوند». تحلیلگر ارشد حوزه اوراسیا تأکید می‌کند: «روسیه ترجیح می‌دهد این منطقه در ثبات نسبی باقی بماند تا بتواند تمرکز خود را بر اوکراین و روابط پرتنش با ناتو حفظ کند». از نگاه این کارشناس: «هر نوع بی‌ثباتی تازه در خاورمیانه، توازن سیاست خارجی مسکو را برهم می‌زند و هزینه‌های جدیدی برای آن به همراه می‌آورد». در پایان، مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی نتیجه می‌گیرد: «برخلاف تحلیل‌های رایج، روسیه نه در پی تشدید تنش میان ایران و اسرائیل است و نه از وقوع درگیری احتمالی استقبال می‌کند». به باور او: «سیاست روسیه در قبال بحران‌های منطقه‌ای، سیاست مدیریت از دور است، نه مداخله یا بهره‌برداری مستقیم و از این روابطش با تهران و تل‌آویو را در تعادل نگه دارد و اجازه ندهد هیچ‌یک از این خطوط، به نقطه تعارض کامل برسند. چون در آن صورت، نتهتا بحران خاورمیانه، بلکه معادلات کلان روسیه در برابر غرب نیز به‌شدت آسیب خواهد دید».

محمود شوری:
برخلاف تحلیل‌های رایج، روسیه نه در پی تشدید تنش میان ایران و اسرائیل است و نه از وقوع درگیری احتمالی استقبال می‌کند.
به باور او: «سیاست روسیه در قبال بحران‌های منطقه‌ای، سیاست مدیریت از دور است، نه مداخله یا بهره‌برداری مستقیم و از این منظر، کرملین ترجیح می‌دهد روابطش با تهران و تل‌آویو را در تعادل نگه دارد و اجازه ندهد هیچ‌یک از این خطوط، به نقطه تعارض کامل برسند»

خبر

مهاجرانی: دولت می‌کوشد با تمام‌توان جنگ را از ایران دور کند

سخنگوی دولت گفت: دولت دورکردن جنگ از کشور را با تمام توان و از مجرای دیپلماسی دنبال می‌کند و درعین‌حال هرکدام از وزارتخانه‌ها باید کار خود را به‌درستی انجام دهند. فاطمه مهاجرانی با اعلام جدیدترین مصوبات و اقدامات دولت برای ارائه خدمات به مردم، اظهار کرد: یکی از تلاش‌های دولت که در طول این مدت هم به‌شدت در این زمینه فعال بوده، آن است که تا جایی که می‌تواند، با پیشبرد دیپلماسی که وظیفه ذاتی وزارت خارجه است، جنگ را از ایران دور کند. او افزود: در تمام این سال‌ها نیز این نگرش وجود داشته است؛ بنابراین دولت دورکردن جنگ از کشور را با تمام توان دنبال می‌کند. در عین‌حال هرکدام از وزارتخانه‌ها باید کار خود را به‌درستی انجام دهند. مهاجرانی با یادآوری تأکید رئیس‌جمهوری بر اجرای عدالت، افزود: این عدالت چهار رکن اساسی دارد. نخست معیشت مردم است، با این توضیح که همه مردم باید حق برخورداری از مواد غذایی مفکی را داشته باشند. خط فقر متأسفانه گسترش پیدا کرده و واقعیتی است که نباید انکار کنیم. هر زمان از واقعیت شفاف و صریح با مردم صحبت می‌کنیم، حتما پذیرش‌ها بهتر می‌شود. سخنگوی دولت اظهار کرد: دولت به‌شدت تأکید و تلاش می‌کند معیشت مردم به‌ویژه دهک‌های پایین که با تلاطم‌های اقتصادی آسیب بیشتری می‌بینند، دست‌خوش آسیب نشود و مردم دچار مشکلی نباشند. امیدواریم در طول این مسیر شاهد تربیت فرزندی باشیم که در دوران کودکی به‌درستی تغذیه کرده‌اند. او گفت: طرح بسنا که وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی دنبال می‌کند، در همین مسیر است که کمک کند مادران باردار و کودکان زیر پنج سال از تغذیه کافی برخوردار باشند. مهاجرانی با اشاره به توجه هم‌زمان دولت به معیشت مردم و دیگر مسائل کشور، یادآور شد: دولت در شرایطی که پانزدهمین سال تحریم را سیری می‌کنیم و فشارهای بین‌المللی بسیار سنگین است، تصمیم دارد هم به معیشت فکر کند و درباره آن به‌شدت دغدغه‌مند باشد و هم در دیگر موضوعات فعال باشد. سخنگوی دولت با تأکید بر اینکه نمی‌توان تمام جنبه‌های پیشرفت کشور را متوقف کرد و گفت فقط به معیشت فکر می‌کنیم، تصریح کرد: دولت با تقسیم کاری که انجام داد، مثلی هر حوزه را به انجام امور مربوط به خود مکلف کرده است.

یادداشت

یادروز حافظ

...اما،امشب یک هنرمند ایرانی با موسیقی شفت‌انگیز و اجرای بی‌نظیر خود در آکروبولیس آتش عشق و محبت افروخت و شکوه هنر نابش را به نمایش گذاشت. او با نقل این رویداد تأثیرگذار یادآور می‌شود که چگونه هنر و موسیقی و فرهنگ‌ها می‌تواند به‌جای ویرانی، امید، پیوند و دوستی بیافرینند. حقیقت این است هرگاه ایران با پشتوانه فرهنگ غنی خود با دیگر ملت‌ها و کشورها به تعامل نشست و از ثروت پایان‌ناپذیر فرهنگی خود در دیپلماسی بهره جست، پادش و ولاکش درخوری دریافت کرد. چنان‌که در پیشنهاد گفت‌وگوی تمدن‌ها مشاهده کردیم، طبیعتاً در این دوران دشوار و سخت هم اگر از سرمایه عظیم فرهنگی ایران برای حل‌وفصل مشکلات و اختلافات با دنیا مواجه شویم بدون تردید دستاوردهای بهتری خواهیم داشت. فرهنگ و هنر و تمدنی که از سوی ملل و بسیاری از کشورهای دنیا پذیرفته شده، قابل احترام و اعتماد است باید نقش مؤثرتری در نیک‌بختی ملت بیافریند. یاد روز حافظ فرصتی است تا با نگاهی‌گذا به توانایی‌های فرهنگی و ادبی و هنری این سرزمین بزرگ، از آن توشه‌ای بسازیم برای سرافرازی میهن، همبستگی ملی، پاسداری از وطن و تعامل با جهان و گذار از بحران‌ها. هریک از متون ادبی فرهنگی و هنری و فلسفی ایران حکمتی است راه‌گشا و گنجینه‌ای است پرگهر که می‌تواند به مدد دیپلماسی سیاسی آمده و در رویکرد و پیام صلح‌مدار خود، تسهیل‌گر مسیر دشوار و پرخطر کنونی برای رسیدن به آینده‌ای بهتر باشد. بر نظام حکمرانی و مدیریت کشور فرض است که در چنین یاد روزها فرصتی بسازد برای تعامل با دنیا و با زبان نرم فرهنگ و هنر خواسته‌های سیاسی خود را تحقق ببخشد. اینک حافظ و دیگر به ما می‌نگرند که چگونه از میراث درخشان آنها پاسداری و بهره‌جویی می‌کنیم.